

تائوی عکاسی

دیدنِ وراى دیدن

فیلیپ ال. گروس

اس. آی. شاپیرو

ترجمهٔ فروزان طهرانیان



دیزاین مشکی / ۹

پیش‌گفتار	۹
مقدمه	۱۱
۱ اصول عکاسی تائوئیستی	۲۳
۲ بازسازی واقعیت	۸۵
۳ موانع دیدن	۱۱۳
۴ عکاسی تائوئیستی: شیوه و ورای آن	۱۳۵
۵ مسیر عکاسی آگاهانه	۱۵۷
کلام آخر: دیدنِ ورای دیدن	۱۷۳
درباره نویسندگان کتاب	۱۷۷
یادداشت مترجم	۱۷۹
نام‌نامه	۱۸۱

خیز بردارید به سوی بی‌کران و آن را
خانهٔ خویش سازید.

— جوانگ تسه

فرزانهٔ تائو، آزاد از بند و بست‌های ذهن تبعیض‌گر، میان ادراک سطحی و ادراک
متعالی هماهنگی برقرار می‌سازد، بدین‌گونه بدون تلاش زیاد به زندگی آرام و
صلح‌آمیز دست می‌یابد. زندگی آزاد، آن‌گونه که در جوانگ تسه به تصویر کشیده
شده است، ویژگی‌های روان‌شناسانهٔ متعددی را آشکار می‌سازد که می‌توان آن‌ها
را با کار عکاسی پیوند زد.

معدودی از عکاسانِ خلاق مستقیماً در جریان دانش جوانگ تسه هستند، اما
از قواعدی برای رهنیدن بصیرت فرد و افزایش ذوق عکاسانه حمایت می‌کنند که
شباهت چشمگیری به قواعد خرد وصف‌شده در این متن کهن دارد.

آگاهی محدود و آگاهی نامحدود

ادراک متعالی وسیع و بی‌شتاب است.
ادراک سطحی محدود و آشفته است.
— جوانگ تسه

جوانگ تسه زندگی روزمره را در قیدوبند، پرعجله و حتی متعصبانه و عاری از
خرد تصویر می‌کند؛ در حال تحلیل رفتن با مشغولیت‌های بی‌پایان یا عادت‌های
کورکورانه. داستان زیرشتابِ غم‌انگیز و بی‌رحمانهٔ زندگی در بند را بیان می‌کند:

روزگاری مردی بود که از سایهٔ خود می‌ترسید و از رد پای خود نفرت
داشت، پس کوشید با دویدن از آن‌ها فرار کند. اما هرچه پاهایش را بالاتر
می‌برد و دوباره بر زمین می‌گذاشت رد پاهای بیشتری می‌ساخت و مهم
نبود چقدر تند بدود، به‌هرحال سایه‌اش هرگز او را رها نمی‌کرد، بنابراین
فکر کرد که هنوز به اندازهٔ کافی سریع نیست. تلتتر و تلتتر و بدون
لحظه‌ای درنگ دوید تا نیرویش به پایان رسید و بر زمین افتاد و مرد. او

تفهمید با خوابیدن در سایه‌اش می‌تواند از آن خلاص شود و با ساکن ماندن می‌تواند دیگر رد پای نداشته باشد. شگفتا، از این همه حماقت.

میل به جستن از وجود خودآگاه بر اثر عقاید متحجرانه و اهداف تثبیت شده تحریک می‌شود. آگاهی بسیار محدود است تا جایی که امکان تغییر اصلاً در نظر گرفته نمی‌شود. عکاس بسته و محدود را در عالم عکاسی معمولاً مقلد و بی‌فکر وصف می‌کنند. چنین مقلدهایی را می‌توان هر روز در مکان‌های گردشگری سراسر دنیا مشاهده کرد:

با یک تصویر از پیش آماده شده در ذهن‌شان که بر آن نام گراند کانیون را چسبانده‌اند به این مکان معروف و شاخص می‌رسند و درحالی که به این سو و آن سو حرکت می‌کنند به دنبال نشانی هستند که بگویند «همین جا عکس بگیرید». به دنبال تنها نقطه درست برای ایستادن می‌گردند درحالی که این ذهنیت اجازه نمی‌دهد آنچه را حقیقتاً اینجا وجود دارد ببینند.

— جوئل میروویتز

این چنین عکاسانی که با تصاویر پیش ساخته محدود شده‌اند، خودبه‌خود سعی در بازتولید یک قاعده یا یک نگاه از قبل تعیین شده دارند، در نتیجه امکان کشف تازه را از بین می‌برند. آگاهی آن‌ها با انتظاراتی اشیاع شده که جلو دیدن فرصت‌های غیرمنتظره را می‌گیرد. ما زندگی غیرآزادانه در چوانگ تسه و کار عکاسی غیرآزادانه را نمونه‌ای از آگاهی محدود قلمداد خواهیم کرد. آگاهی مردمی که از سایه خود می‌ترسد با تصویری قطعی از طبیعت تهدیدآمیز سایه محدود شده است. اما به راستی خاستگاه این محدودیت‌ها، این برخورد اسارت‌مآبانه با زندگی و هنر، چیست؟ چوانگ تسه ریشه زندگی غیرآزادانه را در ذهن تبعیض‌گر می‌داند، چارچوبی برای ذهن که تمایزات بی‌پایانی خلق می‌کند، تمایزاتی که

فیلیپ ال. گروس، سایه
ایتالیا، فلورانس، ۱۹۹۹